

مدیریت بحران انفجار ۱۴ مرداد در بیروت

لبنان سابقه همیاری در سوانح طبیعی ایران را نیز داشته است؛ از آن جمله بازسازی روستای ایک بعد از زمین‌لرزه ۱۰ شهریور ۱۳۴۱ است که از سوی شیعیان لبنان صورت گرفت. زلزله بوئین‌زهر یا بزرگای ۷۰٫۲ سیزده شد ت بازسازی آن را اجرا کنند. زلزله به دلیل جنبایی گسل ایک رخ داد و خود روستای ایک نیز در این زلزله ویران شد و ۱۵۴ نفر در آن کشته شدند. بازسازی این روستا به شیعیان لبنان سپرده شد. روزنامه اطلاعات در گزارش هفتم آذر ۱۳۴۳ در گزارشی از مراسم تحویل این روستای بازسازی‌شده حدود دو سال و سه ماه پس از رخداد، تحت عنوان «گشایش ساختمان‌های تازه دهکده لبنان» آورده است: در روز دهم شهریور ۴۱ زلزله‌ای… بوئین‌زهر و روستاهای اطراف را با خاک یکسان کرد. یکی از این روستاها ایک بود که بیش از ۱۵۴ کشته داد. خانه‌های این روستا با کمک شیعیان لبنان و سازمان عمران قزوین ن نو ساخته شد. مراسم گشایش ساختمان‌های تازه دهکده زلزله‌زده ایک که از این پس دهکده لبنان نامیده خواهد شد، به وسیله آقای رشید بیضون، نماینده پارلمان لبنان و عضو هیئت مرکزی صلیب سرخ آن کشور در محل دهکده مزبور برگزار شد… آقای رشید بیضون از تالیلو دهکده لبنان پرده‌برداری کرد و اسناد مالکیت ۶۴ خانه را به نماینده مردم ده تسلیم کرد. مرحوم «رشید بیضون» از افراد بانفوذ و خیر لبنانی بود که در کشور خود نیز بانی خیر ساخت مجموعه‌ای از مدارس بود. حال امروز که مردم لبنان در سختی و رنج ناشی از شرایط عمومی کشور به‌طورکلی و تبعات ناشی از انفجار ۱۴ مرداد ۹۹ هستند، مردم و نهادهای مدنی ایرانی نیز مانند همیشه نقش مؤثر خود را در یاری به این مردم رنج‌کشیده بازی خواهند کرد.

عضو وابسته فرهنگستان علوم

چالش مشروعیت کارکردی دولت‌ها

نظام بوروکراسی شدیداً متمرکز فعلی، آن را منفعل، کند و بی‌اثر کرده است. این انتظار وجود دارد که سیاست‌گذار ملی فکر کند که با تصویب یک قانون یا مقصره، مشکلی را حل می‌کند، اما واقعیت آن است که نبض این بوروکراسی متمرکز، با پوست‌اندازی‌های تدریجی، اینک در دست کارگزاران رده آخر بوده و انگیزه‌های اقتصادی و اجتماعی آنهاست که تعیین‌کننده کارآمدی و اثربخشی قوانین و مقررات است. بازیگر اصلی در پرداخت وام ازدواج یا وام به بنگاه‌های متاثر از کرونا، نه تصویب‌کننده ملی بلکه کارمند باجه نظام بانکی است که نقطه اتصال با متقاضی است. خوب است بازیگران صحنه سیاست‌گذاری و سیاست‌ورزی مشخص کنند به کدام‌یک از مؤلفه‌های کارآمدی توجه داشته یا خواهند داشت؟ اما آیا اصلاح تقابلی از این دست، لزوماً فقط از طریق طراحی بنیادی و پیاده‌سازی قواعد جدید امکان‌پذیر است؟ یکی از راه‌های تجربه‌شده در موارد مشابه، داشتن رویکرد کلی برای رفع نقض‌های بنیادی و هم‌زمان، اقدام با تمرکز بر کانون‌های کارآمدی (Pockets of Efficiency) است. بنا بر تجربه کشورها، تداو و تعمیق نقض در مشروعیت اجرایی دولت‌ها، سنگینی بار را به بال مشروعیت قانونی حکومت منتقل می‌کند.

آثار مخرب کشت در اراضی شیب‌دار

❖❖ اجرای طرح‌های مدیریت منابع طبیعی در قالب کشت گیاهان دارویی، زراعت چوب و جنگل‌کاری اقتصادی به‌عنوان توسعه باغات در اراضی شیبدار قلمداد می‌شود و اراضی ملی برای این امر واگذار نشده و نخواهد شد.

… و اما آن قسمت که مربوط به اراضی ملی است عموماً اراضی کم بارزه و بسیار دست‌خورده‌ای را شامل می‌شود که برای سالیان طولانی براساس نسق‌هایی تحت ید مردم محلی کشت و زرع می‌شده‌اند که مصوبه ایجاد و توسعه باغات در اراضی شیبدار فرصت مغفتمی را برای استسکاه منابع طبیعی ایجاد کرده تا با بهره‌گیری از ابزار قانونی ماده ۳ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع و معرفی گونه‌های منمر جنگلی و گیاهان مناسب و اقتصادی مرتعی بدون هرگونه تخصیص و واگذاری اراضی ملی محرک‌های لازم را برای جهت‌بخشی مشارکتی جوامع محلی در Trend For the participation part of local communities در طرح‌های مدیریت منابع طبیعی ایجاد کنند که بی‌تردید بسیاری از سوالات و ابهامات به‌دلیل واقع‌شدن در ابتدای این راه پیچیده برنامه‌ریزی است. در پایان تأکید می‌شود بر اساس اسناد نهادهای معتبر جهانی و تجربیات چند دهه اقدامات اجرایی، موفقیت مدیریت منابع طبیعی کشور در اثر اهمیت‌دادن و جهت‌بخشی به معیشت‌های بومی و رفتارهای اجتماعی محلی است. بنابراین شایسته بود پژوهشگر محترم قبل از نگارش هر مطلبی به سازوکارهای قانونی و فرایندهای مطالعاتی و اجرایی این موضوع توجه می‌کرد.

شرق: این‌روزها همه چشم‌به‌راه هستند که دریابد دولت چه نکته امیدبخشی را قرار است رونمایی کند که همه را به صبر دعوت می‌کند. یکی از زمزمه‌هایی که در کنار تصویب FATF مطرح می‌شود، انتشار اوراق بدهی از جمله انتشار اوراق سلف نفتی است. بنا بر برخی شنیده‌ها دولت قصد دارد اوراق نفتی را سه‌ساله واگذار کند و مابازای آن سکه و ارز از خریداران دریافت کند. کارشناسان هرچند تأکید دارند که این اقدام نوعی پیش‌خورکردن آینده است اما این نکته را نیز ناداور می‌شوند که این اقدام، یعنی مراجعه به استقراض از بازار به‌جای استقراض از بانک مرکزی و سیستم بانکی که تبعات جدی رشد نقدینگی و تورم را به دنبال دارد، بهترین اقدام و تنها راه دولت در شرایط تحریم اقتصادی است.
باین حال، برخی کارشناسان نیز تأکید دارند که دولت باید به‌دنبال انتشار اوراق روی فرآورده‌های نفتی باشد و از خیر نفت خام بگذرد، زیرا این بخش برای مردم قابل درک خواهد بود. نکته دیگری که این روزها طرح می‌شود، ارزش‌گذاری روی هر بشکه نفت خام است که دولت به ناچار باید در آینده یا با درصدی سود یا به چند برابر قیمت آن را بفروشد؛ درحالی‌که مشخص نیست وضعیت نفت در سطح جهان در آینده چه مسیری را در پیش بگیرد؛ زیرا بحران کرونا نشان داد که ممکن است مسیر نفت در جهان، متاثر از شرایط، مسیر دیگری را در پیش بگیرد.

انتشار اوراق بدهی، پیش‌خور آینده از سر ناچاری است
«شرق» درباره اوراق سلف نفتی می‌گوید: اوراق سلف نفتی اوراقی است که شرکت ملی نفت منتشر می‌کند، به این معنا که محموله‌های نفتی را از ارزش‌گذاری و پیش‌فروش کرده و پول آن را امروز دریافت می‌کند. عموماً سررسید آن در سال آینده است و تا امروز فراتر از یک‌سال نبوده، البته از نظر تئوری این امکان وجود دارد که سررسید آن بیش از یک‌سال هم باشد.توکلی‌کاشی با بیان اینکه در سررسید دو امکان وجود دارد، می‌افزاید: با شخصی که امسال اوراق را خریداری کرده، مراجعه کرده و نفت را تحویل می‌گیرد که در این صورت برای تحویل نفت، استانداردهایی در نظر گرفته شده، زیرا این محموله‌ها صادراتی است؛ بنابراین فرد باید حجم مشخصی را خریداری کرده و همچنین اعتباری در تجهیزات و لجستیک لازم را برای تحویل و صادرات نفت در اختیار دارد. دوم، اگر شخص نخواهد نفت را تحویل بگیرد، شرکت ملی نفت در زمان مشخص، با نفت را با قیمت روز محاسبه می‌کند یا با قیمت همان روز اول پیش‌فروش به‌همراه حداقل ۲۰ درصد سود، اوراق را بازخرد می‌کند که به‌نوعی می‌توان این اوراق را اوراق ۱۸ تا ۲۰ درصدی دانست.

این کارشناس مالی در ادامه با اشاره به تبعات آن می‌گوید: در اینجا موضوع تأمین مالی دولت و به تبع آن شرکت‌های دولتی است که بزرگ‌ترین آنها، شرکت ملی

نفت است. رابطه شرکت ملی نفت با بودجه، به برنامه پنجم بازمی‌گردد. براساس قانون، شرکت ملی نفت همواره ۱۴٫۵ درصد از محل فروش نفت را صرف توسعه نفتی می‌کرد. زمانی که نفت به فروش برسد، این ۱۴٫۵ درصد هم وجود دارد اما اگر نفت به هر دلیلی به فروش نرسد یا قیمت آن تا اندازه‌ای کاهش یابد که مبلغ فروش هم بسیار کاهش یابد، دیگر ۱۴٫۵ درصد هم عدد کوچکی خواهد بود و طبیعتاً شرکت ملی نفت از پس هزینه‌های خود برنخواهد آمد.

دولت باید از بازار استقراض کند

او ادامه می‌دهد: در چنین شرایطی پاسخ روشن است، دولت باید هزینه‌های خود را کاهش دهد اما این اقدام کار ساده‌ای نیست. در این صورت با باید حقوق کارکنان دولت را کاهش داد یا تعدیل‌های گسترده‌ای در این بخش صورت گیرد. این کاهش هزینه‌ها احتمالاً تکلفوی هزینه‌های دولت را نمی‌دهد؛ بنابراین راهکار دیگری نیز وجود دارد و آن استقراض است. چندین راه برای استقراض وجود دارد؛ راه‌حل اول استقراض از بانک مرکزی است که اثر نامطلوبی بر نقدینگی و تورم خواهد داشت. راه‌حل دوم، آن است که دولت از سیستم بانکی (بانک‌های دولتی و خصوصی) استقراض کند که طبق آماری که بانک مرکزی به‌تازگی منتشر کرده، دولت از سیستم بانکی نیز تا حد زیادی استقراض کرده است.
توکلی‌کاشی می‌افزاید: هرچند استقراض از بانک‌ها، بهتر از استقراض از بانک مرکزی است اما این روش هم روش مناسبی نیست و با درجانی، سب تورم می‌شود. راه‌حل سوم که تقریباً بهترین راه‌حل است و تقریباً تمام کشورها نیز از این راه‌حل استفاده می‌کنند، استقراض از بازار است. این کدی است که در چند سال اخیر با عنوان انتشار اوراق دولتی، مطرح شده است. این کارشناس مالی با بیان اینکه با انتشار اوراق درهرحال، آینده را پیش‌خور می‌کنیم، تأکید می‌کند: درهرحال در شرایط کنونی اقتصاد ایران، چاره‌ای به‌جز این اقدام نیست و

اقتصاد

کارشناسان در گفت‌وگو با «شرق» آثار انتشار اوراق بدهی نفتی را بررسی می‌کنند

یک گمانه قوی برای خبر خوش رئیس‌جمهور



علی، پائین: اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری

دولت مجبور است درحال‌حاضر استقراض کرده و در آینده اصل و سود آن را بازگرداند. این راهکار مختص ایران نیست و در بسیاری از کشورهای مختلف جهان رخ داده است.

به گفته او، گمانه‌زن‌ها درباره درباره آنچه در روزهای اخیر مطرح می‌شود، آن است که دولت قصد دارد انتشار اوراق سلف نفتی را با حجم بالاتری دنبال کند که البته همه در حد گمانه است و مشخص نیست دولت قصد دارد اوراق سلف نفتی، اوراق مشارکت، صکوک یا خزانه و… منتشر کند؛ اما حقیقت آن است که چندان تفاوتی هم نمی‌کند. تمامی این روش‌ها به معنای استقراض از بازار با استفاده از اوراق بدهی است.

تجربه بورس فرآورده‌های نفتی را ملاک قرار دهید

محمود خاقانی، کارشناس بین‌المللی انرژی نیز با اشاره به سابقه انتشار اوراق بدهی نفتی می‌گوید: پیشینه ارائه اوراق نفتی در بورس، به دولت دهم و در زمان وزارت رستم قاسمی بازمی‌گردد که البته پس از بررسی‌های مختلف، به مرحله اجرا نرسید؛ بنابراین بحث جدیدی نیست اما واقعیت آن است که این موضوع، بیش از ۲۰ سال پیش در سال ۱۳۸۰ با کمک مرحوم نوربخش مطرح شد و در آن زمان، او موضوع را با وزیر نفت وقت (بیژن زنگنه) مطرح کرد؛ مطالعه‌ای در این زمینه انجام شد و پیرو آن، مقرر شد بورس‌ری برای فرآورده‌های نفتی ایجاد شود که به‌تدریج زمینه‌سازی لازم به عمل بیاید تا سهام پالایشی‌ها و پتروشیمی‌ها را به‌طور واقعی به مردم واگذار کنند. در نتیجه مردم به‌جای دریافت، بارانه سوخت (مستقیم یا غیرمستقیم) سود سهام مشارکت در صنعت انرژی را دریافت‌کنند که در صورت اجرای آن، مردم از کاهش قیمت بنزین یا مواد پتروشیمی، استیصال نمی‌کردند که می‌توانست جلوی قاچاق سوخت را نیز بگیرد.

خاقانی می‌افزاید: این طرح که در اوایل سال ۱۳۸۴ نهایی شد، در سال ۱۳۸۶ نیز توسط وزرای دارایی و نفت

وقت، در جزیره کیش دایر شد اما بعدها تغییر مسیر یافت و در چارچوب بورس انرژی، معاملات و تجارت نفت خام به میان آمد.

از نفت خام عبور کنید

مدیر کل سابق امور خزر و آسیای میانه وزارت نفت در ادامه با بیان اینکه اکنون به نظر می‌رسد حامیان بورس انرژی، دوباره شرایط را مناسب دیده‌اند تا آن را به مرحله اجرا نزدیک کنند، می‌گوید: این‌طور که شنیده می‌شود، قرار است با یک سری قرارداد، نفت را در بورس به مردم بفروشند. به این معنا که فرضاً هر بشکه نفت خام، از سوی مردم خریداری شده (به دلار) و در یک زمان آتی که در قرارداد آتی (پت)، دولت یا شرکت نفت به قیمت روز، آن را از خریدار باخزید می‌کند.

خاقانی با اشاره به اینکه این روش را ونزوئلا چند سال قبل، تحت عنوان پترو به اجرا درآورد اما موفق نبود، ادامه می‌دهد: به نظر من، این روش ممکن است نتیجه‌ای را که مورد توجه حامیان، طراحان و ارائه‌کنندگان این سیاست است، به‌طور مطلوب نداشته باشد. زیرا اکنون با نفت خام (به‌طورکلی انرژی) مانند یک کالا برخورد می‌کنیم؛ بنابراین به عقیده من، شرایط جدید به‌ویژه کرونا ثابت کرد که انرژی یک کالا نیست؛ کمالینکه دیدیم با کاهش سفرها و خانه‌نشینی مردم و عدم استفاده از فرآورده‌های نفتی، قیمت نفت خام به‌شدت با کاهش روبه‌رو شد؛ بنابراین این امر نشان می‌دهد که انرژی فراهم‌آورنده خدمات است و کالا نیست.

این کارشناس بین‌المللی انرژی می‌افزاید: بالاخره دولت و مجلس و در کل تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران، به این نتیجه رسیده‌اند که باید طرحی برای اقتصاد انرژی کشور داشته باشند؛ اما مسئله این است که دیدگاه دیگر کارشناسان را اگر در نظر بگیرند، درخواست یافت که بهتر است اکنون روی گاز و بخش پایین‌دستی انرژی تمرکز کنند، زیرا مردم عادی، نفت خام را نمی‌شناسند و نمی‌دانند با آن چه کنند اما اگر به طرحی که در سال ۱۳۸۰ مطرح و در سال ۱۳۸۴ مطالعه آن به اتمام رسید، مراجعه کنیم و روی فرآورده‌های نفتی و صنعت پایین‌دستی انرژی تمرکز کنیم، مردم به‌دلیل آنکه می‌توانند آن را لمس کنند، همراهی بهتری خواهند داشت.

به گفته او، نظام مالی و بانکی و بازار سرمایه، تصویربرداری شده از نظام‌های جهانی است، درحالی‌که اکنون در غرب به‌دنبال آن هستند که در آن بازیگری داشته باشند؛ زیرا کرونا ثابت کرد این نظام‌ها دیگر کارایی چندانی ندارند. شانس ایران آن است که به‌دلیل تحریم‌های ترامپ، ارتباطش با آن نظام قطع شده و می‌تواند بستری باشد برای آنکه نظام مورد تأیید منطقه را بنا بگذاریم و روی آن کار کنیم، اما مقامات تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر، هنوز در راه‌حل‌های قرن بیستم گیر کرده‌اند و نمی‌دانند برای مشکلات قرن ۲۱، احتیاج است که ابتکار به خرج دهند.

رهنموده‌هایی برای خودروسازان بزرگ

محمدهادی موقعی

● بزرگ‌ترین آسیب به کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در بحران پاندمی، نبود نقدینگی است. منشأ نقدینگی گردش عملیات در عناصر سرمایه در گردش است. برای جریان این کمبود باید به راه‌حل‌های مالی اندیشید. شرکت‌های بزرگ که رهبری و هدایت زنجیره عرضه خود را در دست دارند، باید سیاست‌هایی را برای کاهش آسیب‌ها به SMEهای مستقر در زنجیره طراحی و اجرا کنند.

همولسازی راه ورود نقدینگی

اولین اقدام طراحی ابزارهایی است که راه ورود نقدینگی را باز می‌کند. در شرایط بحران، اولین منبع نقدینگی دسترسی به اعتبارات و وام‌هاست. شرکت‌های بزرگ باید تضامین و وثیقه‌هایی را برای شرکت‌های کوچک و متوسط در اختیار بانک یا بگذارند یا بخشی از ظرفیت اعتباری خود را به آنان بدهند. وقتی وام‌ها دارای تضامین معتبر نباشند، هزینه‌های بهره بالاتری خواهند داشت. در ایتالیا و انگلستان شرکت‌های بزرگ صاحب زنجیره عرضه ضمانت‌هایی را در اختیار بانک‌ها قرار دادند و بیمه‌نامه‌های تجاری و اعتباری‌ای که برخی بانک قبول کرده بودند به‌دلیل بالابودن کارمزدهای آسان حذف و خود ضامن SMEها شدند.

تمدید حساب‌های دریافتنی

شرکت‌های قطعه‌ساز یا ارائه‌دهندگان خدمات به شرکت‌های بزرگ مطالباتی از این شرکت‌ها دارند که در شرایط عادی با مهلت ۶۰ روزه پرداخت می‌شد، ولی اکنون می‌توان با حذف مهلت و پرداخت‌های فوری‌تر این مطالبات را تسویه کرد.

خلاصیت شرکت ایلپاد فرانسه

شرکت ایلپاد فرانسه یک اپراتور بزرگ تلفن همراه است که مطالبات قطعه‌سازان و اپراتورهای زنجیره را نته‌تنها به‌روز پرداخت کرد بلکه دو ماه ارزش خدمات و قطعات آینده را پیش‌خرد کرد.

مدیریت سرمایه در گردش با تمرکز بر موجودی کالا

در این روش شرکت‌های بزرگ خودروسازان مانند یک رهبر ارکستر عمل می‌کنند. تکنیک نهفته در این مدل این است که شرکت اصلی یک استراتژی هماهنگ برای تهاجم به عرضه‌های سه عنصر مهم سرمایه در گردش را به کار می‌گیرد. این سه عنصر عبارت‌اند از: موجودی کالا، حساب‌های بانکی و دریافتنی و حساب‌های پرداختنی.در بخش موجودی کالا باید گردش و فرایند عملیاتی بازبینی و بازطراحی شود. در بخش موجودی کالا باید زمان‌های زنجیره عرضه را بازبینی کنند و کاهش دهند و وجوه مورد نیاز برای سفارش‌ها و تأمین موجودی را به نقطه‌های توزیع و فروش نزدیک کنند. پس نیازمند بازطراحی زنجیره عرضه (سیستم گردش اطلاعات و فلوچارت عملیات) خواهند بود. بهینه‌سازی نقطه نگهداری میزانی از موجودی کالا، ساده‌سازی عملیات و منطقی‌کردن مدل ارائه محصول و خدمت را باید در برنامه قرار دهند.

بازطراحی‌ها زمان می‌برند و شاید با این سرعتی که انتظار داریم نتیجه عاید نشود ولی یکی از در دسترس‌ترین و کم‌هزینه‌ترین بازطراحی‌ها مربوط به بهینه‌سازی سفارشات موجودی کلاست که می‌تواند بدون تأثیرات منفی بر زنجیره تأمین اجرایی شود. بیشتر شرکت‌ها از تکنیک کاهش موجودی دریافتنی از طریق ارائه انگیزه به مشتریان و افزایش حساب‌های پرداختنی استفاده می‌کنند. این تکنیک باعث تهاجم به صف عرضه‌کنندگان می‌شود. ولی برای کمک به شرکت‌های تأمین‌کننده عضو زنجیره باید سیاست‌های هوشمندانه‌تری به کار گرفته شود.

نکته جالب اینجاست که بررسی‌های انجام‌شده از این ۸۰۰ شرکت نشان‌دهنده تغییرات و بازیگری معنادار در بحران‌های مالی جهانی در تعیین بهترین مقادیر موجودی‌ها نیست، بلکه همه سیاست‌ها به سمت بازی با حساب‌های دریافتنی و پرداختنی به‌صورت افزایش حساب‌های پرداختنی و کاهش حساب‌های دریافتنی با استفاده از سرعت در وصول مطالبات در مقابله با کاهش سرمایه در گردش بوده است و رویکردی برای بهبود عملکرد کمتر دیده شد. این بررسی‌ها نشان داد که شرکت‌ها برای جریان سرمایه در گردش، فرصت‌های آزادسازی سرمایه در گردش از طریق بهینه‌سازی موجودی کالا و بازطراحی زنجیره تأمین را فراموش کرده‌اند.

راه‌حل‌های مبتنی بر زنجیره تأمین مالی

برای تقویت عناصر زنجیره عرضه باید ابتدا روی عناصر ضعیف مثل SMEها به‌صورت دسترسی آنان به اعتبار بیشتر تمرکز کرد. یکی از این روش‌ها فاکتورینگ معکوس reverse factor-ing است. در این روش یک خریدار بزرگ و معتبر مثل یک خودروساز، مؤسسه مالی طرف همکاری خود را به خرید حساب‌های دریافتنی عرضه‌کننده مثل قطعه‌ساز وادار می‌کند.

ادامه در صفحه ۸